

مطالبه تغییرات بنیادین، پیام محوری انتخابات

حسین نورانی نژاد

اصلی‌ترین پیام انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر را باید نارضایتی اکثریت قاطع مردم از شرایط موجود، خواست تغییر و مساله آنها با جریانی دانست که اقلیتند، اما بیش از اندازه خود قدرتی رانته دارند و اعمال اراده می‌کنند. این در حالی است که به نظر می‌رسد با همه تلخکامی‌ها و دلخوری‌ها، همچنان عقلانیت بالایی بر جامعه مدنی ایران حاکم است و مطالبات این قشر حتی‌المقدور بر بستر ظرفیت‌های قانونی و مدنی و مقاومت در این چارچوب دنبال می‌شود. نکته‌ای که مشخص است باب میل اپوزیسیون ویرانی طلب مانند شبکه اینترنت‌نشال نباشد. هر چند این واقعیت‌ها کاملاً روشن هستند، اما از آنجا که همچنان اصرار بر تغافل دیده می‌شود و در گیرودار شکل‌گیری دولت جدید، ممکن است نارضایتی‌ها بار دیگر به بوته فراموشی سپرده شود، مرور چند نکته از این انتخابات ارزش توجه دارد.

1- پایین‌ترین میزان مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری در دور اول با کمتر از 40 درصد مشارکت واجدین شرایط رقم خورد.

2- از آن میزان، حدود 20 درصد آرا به کاندیداهای جریان حاکم (قالیباف و جلیلی) اختصاص یافت که بخشی از آن هم به دلایل و انگیزه‌های مختلف، رای سیاسی و ایدئولوژیک این جریان محسوب نمی‌شود. این در حالی است که فرض عدم رای دادن درصد قابل توجهی از پایگاه اجتماعی این جریان به دلیل مواجهه تکلیفی با انتخابات منتفی است و این سقف آرای آنهاست.

3- افزایش قابل توجه میزان مشارکت در دور دوم انتخابات هم چیزی نیست که باز برای این جریان خبر خوبی باشد. از افزایش رای مردم در دور دوم انتخابات تنها 600 هزار رای معادل 10 درصد به آقای جلیلی رسید و حدود 5 میلیون و 500 هزار رای نصیب پزشکیان شد. این نکته را در کنار این فکت در نظر بگیرید که به‌طور معمول، دور دوم انتخابات مختلف میزان مشارکت کاهش می‌یابد. اما افزایش رای چشمگیر

در دور دوم که تنها يك‌دوازدهم آن به جليلي رسيد، نشان‌دهنده عمق نگراني اکثریت جامعه نسبت به اقلیت قدرتمند حاکم است و بدیهی است که هر قدر به سمت طیفی از مردم برویم که سخت‌تر از دیگران تحریمی تند، فاصله بیشتری با جریان متبوع آقای جليلي یا همان جریان موسوم به انقلاب می‌بینیم.

4- حالا دیگر اقلیت حاکم به وضعیتی رسیده که در مشارکت پایین هم شانس کمی برای پیروزی دارد. این مساله با سهمی که عملاً این جریان از قدرت دارد هیچ سازگاری ندارد. بسیاری از قوانین و رویه‌های جاری در کشور بر اساس خواست این جریان است و مشارکت و عدم مشارکت اکثریت مطلق مردم با همه تنوعی که درباره مواضع ایجابیشان وجود دارد، در پیام نه به این جریان اشتراك نظر دارند.

نتیجه اینکه به نظر می‌رسد از مشارکت شهروندان با کیفیتی که بیان شد و نهایتاً به 50 درصد هم نرسید باید به شدت نگران بود و به ندای تغییرخواهی مردم پیام روشنی داد. پیامی که از صندوق‌های رای رسيد، در پیوستگی روشن با آن چیزی است که در کوچه و خیابان و فضای مجازی و خانواده‌ها می‌بینیم. پیام اینکه کشور برای مواجه نشدن با بحران‌های سخت، باید از فرصت دولت پزشکیان استفاده کند و حتی اگر خودش قصد جدی برای اعمال تغییرات جدی در روند اداره خرد و کلان کشور نداشت، او را مجاب به این هدف راهبردی کند و به این مساله توجه شود که اگر سرخوردگی‌های پیشین نصیب دولت آقای پزشکیان هم بشود، با این حجم از نارضایتی و ناامید شدن جمعیت بیشتری نسبت به انتخابات، شرایط بسیار وخیم‌تر خواهد شد. این حرف به معنای فشار بر دولت برای مطالبات خارج از توان آن نیست، اما مهم است که خواست جامعه را فهمید و برای شکاف موجود بین رویه‌ها و ارزش‌های حاکم با آن فکری کرد.